



عزیزالله (نفرچهارم از راست) در میان ۱۰ معلم برتر دنیا در سال ۲۰۱۵

معلمی را از خود زندگی آموخته‌ام

روایت معلمی افغان که بعد از دوران شوم طالبان مدرسه‌ای باشعار «آزادی، آگاهی و برابری» بنیان گذاشت و به خاطر خدمات فوق العاده‌اش یکی از معلمان برتر جهان شناخته شد

یوسف جیدری

افغانستان امروز تقویتی ساری ماند که ازل خاکستری بیرون آمده است. سزمینی که برگ و بی آن با جنگ و وحشت و آوارگی عین شده است. همین امروز هم که صلح و نیات نسبی در این کشور وجود دارد و قانون و دولت مستقر نام امور در دست دارد، وحشت از تورو و خونریزی و تهدید طالبان دست از سر بری شهرها و مناطق این کشور بر نداشته است. این آتش با کودتاهای بی دری از آواندی سال پیش روشن شد و با اشغال این کشور از سوی شوروی الگرفت و بعدتر نیز با حاکمیت گروه افراطی طالبان کلاما شعله ور شد. نتیجه همه اینها چیزی نبود جز ویرانی شهرها و روستاها و به آتش کشیده شدن مدرسه‌ها و کتابخانه‌ها و موزه‌ها و آثار فرهنگی و... همه اینها ضریات مهلکی رامی ماندند که پشت سرم بر پیکره فرهنگ این کشور وارد می شد و هزینه بازسازی فرهنگی را بالا و بالا می بردند. ساخت دوباره این ویرانه‌ها و آباد کردن خاک کشور و در کنار آن پاکسازی ذهن و روان مردمی که سال‌ها درگیر جنگ و وحشت و ناامنی بوده‌اند و در این چهار دهه نسبت چندانی با آموزش و فرهنگ نداشته‌اند، بی گمان کار بسیار دشواری است. کودکان و نوجوانانی که لالایی شبانه‌شان، صدای گلوله بوده، حالا باید بیاموزند و رشد کنند و کشور را بسازند. این آرزویی است که برای رسیدن به آن باید عزمی جدی داشت و گام‌هایی استوار برداشت. در این میان کسانی هستند که فغدغاهای جز ساختن آینده این کشور و حاکم کردن فرهنگ انسانی در روابط اجتماعی جامعه افغانستان ندارند. ساختن دوباره جامعه‌ای سنی و پشت عقیب مانده، با فقر کم‌شکرمن و شرایط دشوار و آسیب دیده پس از جنگ، به حق وظیفه بسیار دشواری است. اما کسانی هستند که بار سنگین این وظیفه را بر دوش می کنند و در تلاشند تا رؤیای افغانستانی آباد را تبدیل به واقعیت کنند. گزارش پیش رو، روایت یکی از همین آدم هاست.



مدرسه معرفت در کابل

ایالت در نانوائی و شیرینی یزی و خیاطی و... کار کردم. چندباری تصمیم گرفتم تا تحصیل را ادامه بدهم، اما با توجه به تفاوت زبان و فرهنگ این کار بسیار سخت و دشوار بود. اما با همه این مشکلات و زندگی در کمب آوارگان، مستمر کتاب مطالعه می کردم. محیط مهاجرین افغانی در پاکستان محیط روشن‌فکرانه‌ای بود و من درس‌های زیادی در این محیط آموختم. کتاب‌های بسیاری را به زبان فارسی که از ایران فرستاده می شد، مطالعه می کردم. علاقه زیادی به کتاب‌های رمان و تاریخی داشتم و فرصت خوبی بود که با تفکرات روشنفکران و اندیشمندان آشنا شوم. در همان کودکی با خواندن کتاب‌های دکتر شریعتی آشنا شدم و در کنار آن کتاب‌های مربوط به چهره‌های انقلابی مانند گچوارا و جنبش آزادیبخش فلسطین و ادبیات انقلابی روسی را می خواندم. در همان نوجوانی با شخصیت‌هایی چون قسیم‌اخر و قیوم رهبر آشنا شدم و از آن‌گاه به زندگی در افغانستان به کشورم بازگشتم و زمانی که به غزنه نزد خانواده رفتم، من و یک نفر دیگر تنها کسانی بودیم که سواد داشتیم و تا حدودی با دنیا و تاریخ آن آشنا بودیم. در خردسالی یکی از کسانی بودم که در بنیانگذاری پنج مدرسه در ولایت غزنه سهم داشتم و با وجود تهدید هواپیماهای شکاری شوروی، از مسیر کوهپایه‌های دشوارگذر پکتیکا، لوازم و امکانات درسی این مدرسه‌ها را از پاکستان تا غزنه منتقل می کردم. نمره این مدارس هزاران نفر کادر آموزش دیده در عرصه‌های گوناگونی بود که وارد جامعه شدند.

عزیزالله رویش معلمی است که با رؤیای افغانستانی آباد همت کرده و دست به کار شده است. او با راه‌اندازی مدرسه معرفت شیوه آموزشی جدیدی را ابداع کرده است. او در بیشتر سخت، در عرصه آموزش و پرورش بیشترین تأثیرگذاری را داشته و به همین دلیل هم بود که از سوی نهاد جهانی ورکی (Varkey) یکی از ۱۰ معلم برتر دنیا شناخته شد. انتخاب عزیزالله رویش به‌عنوان یکی از معلمان برتر جهان، بازتاب‌های زیادی به همراه داشت و امروز مدرسه معرفت که ۱۵ سال قبل با شعار «آزادی، آگاهی و برابری» در غرب‌لیا افتتاح شد، به‌نامدی از آموزش و پرورش جدید تبدیل شده است؛ مدرسه‌ای که به دروس متعارف بسنده نکرده و در آن به کودکان، درس زندگی و ساختن آینده کشورشان آموزش داده می شود.

این معلم ۲۹ ساله در سال ۲۰۱۷ و در سومین دوره انتخاب برترین معلمان جهان نیز به‌عنوان یکی از سفیران آموزش حضور داشت تا شیوه آموزش خود را - که دستاوردهای مثبتی نیز به همراه داشته - برای دیگر معلمان جهان تبیین کند. شیوه تدریس او سرمشتقی است برای کشورهای که سال‌ها درگیر جنگ و وحشت‌های داخلی

خدمت رایگان به مادران بهشتی

سحر اسدی



عکس: دیپاران

دارم برای خدمت‌رسانی به خانواده شهدا استفاده کنم. وی ادامه داد: نوشته‌ای را روی خودروم نوشتم و اعلام کردم که همه کارهای تأسیساتی خانواده‌های شهدا را رایگان انجام می‌دهم. البته این خانواده‌ها به خاطر حجب و حیایی که دارند حاضر نیستند مستقیماً با من تماس بگیرند و بیشتر اطفای آنها با من تماس می‌گیرند و درخواست می‌کنند تا برای تعمیرات یا نصب به خانه آنها بروم. بهترین ساعت‌های زندگی‌ام وقتی است که برای این خانواده‌ها کار می‌کنم. آنها سالهاست که دستمزد ما را پرداخت کرده‌اند و خدمتی که به آنها می‌دهیم در برابر ایثار و فداکاری آنها چیزی نیست. ساعت‌هایی که مشغول کار هستم بسیاری از مادران شهدا برای من از فرزندان و نوه و نوه‌ها و شهدا و

روزی‌هایی که با یاد او سپری شدند حرف می‌زنند. لحظاتی که کنار آنها هستم و از من پذیرایی می‌کنند را با هیچ چیزی در دنیا عوض نمی‌کنم. از بركت خدمت به این مادران بهشتی خاندان به زندگی‌ام برکت داده است و تا مدت‌ها با روحیه عالی مشغول به کار می‌شوم.

حق‌پناه با اشاره به اینکه همه ما در هر شغل و جایگاهی که هستیم باید برای کسانی که نیازمند هستند و همچنین خانواده شهدا قدمی برداریم، گفت: در آخرت از همه ما سؤال خواهد شد که در جایگاه و شغل خودتان چه کار مهم و مفیدی انجام داده‌اید؟ زندگی برای پدران و مادران شهدا با ایثار و فداکاری برای وطن معنا شده است و چه زیباتر که ما هم برای آسایش زندگی آنها قدمی برداریم.

نان دارید، آن را بین شکم و مغزتان تقسیم کنید. روزهایی که طالبان حاکم بودند بسیار سخت بود، ولی با وجود این دست از تلاش نکشیدیم زیرا می‌دانستیم که آینده را همین کودکانی می‌سازند که به آنها آموزش می‌دادیم. سرانجام با سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ وقتی وارد کابل شدیم با شهری مواجه شدیم که به یک ویرانه شباهت داشت. نه تنها همه ساختمان‌ها از بین رفته بودند بلکه به روان و روح آدم‌ها نیز آسیب جدی وارد شده و فرهنگ خشونت و نفرت در هوای شهر موج می‌زد. کار بسیار سختی در پیش داشتیم. راضی کردن خانواده‌ها به اینکه دختران خود را هم به مدرسه بفرستند و میان آنها و پسرهای هیچ‌تفاوتی قائل نشوند، بسیار مشکل بود اما با رفتن به در خانه‌ها و صحبت چهره به چهره آنها را به انجام این کار راضی کردیم. سرانجام سال ۱۳۸۱ لیس (مدرسه) معرفت را با ۳۷ دانش‌آموز و ۸ معلم که ۵ نفر آنها تنها از تحصیلات علوم دینی برخوردار بودند، آغاز کردیم.

شناسی، حقوق بشر و دموکراسی دیگر مفاهیمی بودند که در این مدرسه آموختند و همچنین می‌آموزند. برای شروع کار از خانواده‌ها مبلغ ۶۰ افغانی به‌عنوان شهریه گرفتیم تا آنها بدانند که باید در آموزش هزینه کنند و مشارکت داشته باشند. برای آموزش اداره کشور تمرین‌های عملی در مدرسه انجام دادیم. از جمله تشکیل شورای دانش‌آموزان که کارهای مربوط به مدرسه توسط این شورا انجام می‌شود؛ یا شورای انضباط که اعضای آن برقراری نظم را برعهده دارند و در کنار اینها پارلمان دانش‌آموزی را راه‌انداختیم که اعضای آن هر سال دوبار در یک فرماندهی از سوی خود دانش‌آموزان انتخاب می‌شوند و آنها وظیفه دارند روی روی معلم‌ها و مدیرها نشست و انتقاد کنند و پیشنهادهای خود را بدهند و معلم‌ها نیز موظف به پاسخگویی هستند. تا به امروز بیش از ۱۰ دوره شاگردان مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند و تعدادی از آنها با گرفتن بورسیه هم‌اکنون در آمریکا و اروپا

مدرسه‌ای که امروز تعداد دانش‌آموزانش به ۳ هزار و پانصد نفر رسیده است. ما در شروع کار به فراتر از آموزش فکری می‌کردیم و باید نگاه جدیدی را در دانش‌آموزان ایجاد می‌کردیم. قبل از هر چیز باید به آنها امید به زندگی را می‌آموختیم تا در ساختن جامعه‌پس از جنگ سهیم باشند. احساس می‌کردم نمی‌توان صرفاً با آموختن حروف الفبا و فرمول‌های ریاضی نسل آینده را به انسان‌هایی مسئولیت‌پذیر در جامعه تبدیل کرد. تا قبل از این برای آموختن حروف «آ» یا «ب» جماتی که هیچ محتوا و معنایی نداشت به دانش‌آموز منتقل می‌شد اما تلاش کردیم تا دانش‌آموزان این حروف را در کلماتی مانند آزادی و قانون و قرآن بیاموزند. به آنها آموختیم که انسان قدرت فکر کردن دارد و وجه تمایز او با دیگر موجودات در همین است. انسان

مشغول ادامه تحصیل هستند. **دستاوردهای بزرگ** وی درباره دستاوردهای ۱۵ ساله این مدرسه گفت: گرچه تاکنون هیچ کمک مالی از دولت یا نهادهای بین‌المللی نگرفتیم ولی سرمایه‌کنونی این مدرسه بیش از ۳ میلیون دلار است و خودکفا شدن یکی از دستاوردهای بزرگ این مدرسه است. از دیدگاه من معلم کسی است که جریان آموزش را تسهیل می‌کند و به دانش‌آموزان محور فکر کردن را می‌آموزد. دستاورد بزرگ ما در این مدرسه حضور دختران در کنار پسران در امر آموختن علم بود. در دوره طالبان زنان و دختران سرکوب می‌شدند و متأسفانه ستیزه‌جویی با زنان در تاریخ کشور ما مستمر وجود دارد و به یک باور فرهنگی تبدیل شده است. تأکید ما به آموزش

دختران مقابله با این نگاه بود و تا زمانی که نقش و حضور زنان پذیرفته نشود جامعه دچار تحول نخواهد شد. ما نمی‌توانیم تنها با آموزش مردان و پسرها نگاه فرهنگی را متحول کنیم. حضور دختران در این مدرسه تحولی به یاد ماندنی بود و امروز آنها به فعالان اجتماعی تبدیل شده‌اند که برای حضور بیشتر زنان در جامعه تلاش می‌کنند و امیدوارم با گسترش این نوع آموزش به مدارس سراسر کشور در آینده شاهد حضور مردان و زنانی باشیم که برای ساختن دوباره کشور و نهادهای آن انسانیت‌گام برمی‌دارند. حسرت بزرگ یک آموزگار نداشتن پایگاه اجتماعی در افغانستان است زیرا از لحاظ پایگاه اجتماعی و همچنین درآمد موقعیت خوبی برای معلم‌ها وجود ندارد و به همین دلیل است که کسانی وارد عرصه

معلمی می‌شوند که در کنکور تهرته‌های خوبی کسب نمی‌کنند. اما از دیدگاه من مهم‌ترین شغل و جایگاه اجتماعی متعلق به معلم است که آینده‌رامی‌سازد و به همین دلیل معلم ارتباط مستقیمی با فرهنگ یک جامعه دارد. رویش درباره انتخاب خود به‌عنوان یکی از ۱۰ معلم برتر دنیا در نخستین دوره جایزه جهانی ورکی گفت: من به همراه معلم‌هایی از آمریکا و کامبوج و چند کشور دیگر انتخاب شدیم که البته این انتخاب‌ها بر این اساس بود که نوع آموزش معلم‌ها چه تأثیری بر نگاه فرهنگی جامعه ایجاد کرده است. من هم به خاطر تلاش‌هایی که در این زمینه برای افغانستان بعد از طالبان انجام دادم انتخاب شدم. امیدواری من این است که بتوانم شیوه آموزشی معرفت را به سرتاسر افغانستان گسترش بدهم.

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

جدول سودوکو

۲۵۲۳

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۱ | ۵ |
| ۵ | ۳ | ۹ | ۱ | ۶ | ۸ | ۷ | ۲ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |

آسان

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۱ | ۵ |
| ۵ | ۳ | ۹ | ۱ | ۶ | ۸ | ۷ | ۲ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |

متوسط

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۱ | ۵ |
| ۵ | ۳ | ۹ | ۱ | ۶ | ۸ | ۷ | ۲ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |

سخت

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۷ | ۶ | ۸ | ۴ | ۲ | ۹ | ۳ | ۱ | ۵ |
| ۵ | ۳ | ۹ | ۱ | ۶ | ۸ | ۷ | ۲ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |
| ۶ | ۹ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۲ | ۸ | ۴ |
| ۲ | ۸ | ۱ | ۷ | ۳ | ۵ | ۶ | ۹ | ۴ |
| ۹ | ۵ | ۳ | ۱ | ۷ | ۲ | ۸ | ۶ | ۴ |